تازه‌های نشر

«اساطیر یونان» به بازار نشر رسید

کتاب «اساطیر یونان؛ درس‌گفتارها»، نوشته عباس مخبر، به‌کوشش نشر مرکز منتشر وراهی بازار نشر شد.
به‌گزارش خبرنگار مهر، کتاب «اساطیر یونان؛ درس‌گفتارها»، نوشته عباس مخبر، به‌تازگی توسط نشر مرکز منتشر وراهی بازار نشر شده است.
اسطوره‌های یونان از ۲هزارو۵۰۰سال پیش تا امروز، الهام‌بخش نویسندگان، نمایشنامه‌نویسان، شاعران، نقاشان، موسیقی‌دانان، هنرمندان تجسمی وهنرهای دیگر مانند سینما بوده‌اند. عباس مخبر به‌عنوان پژوهشگر حوزه اسطوره‌شناسی می‌گوید سرچشمه وخاستگاه این اسطوره‌ها وارزش‌های حاکم بر جامعه یونان ودیدگاه نویسندگان ومنتقل کنندگان آن‌ها اغلب نادیده گرفته شده است. یعنی مخاطب بیشتر درباره شخصیت الهه‌های یونانی، مناسبات خدایان مذکر باآن‌ها، روابط جنسی خدایان وبن‌مایه‌های فلسفی تقدیرگرایانه وروان‌کاوانه این اساطیر رامی‌بیند. بیشتر آثار موجود به‌زبان فارسی فقط بخشی ازاساطیر یونان رابه‌خواننده معرفی می‌کنند وبیشتر هم سرگذشت خدایان وقهرمانان است.
عباس مخبر می‌گوید به‌ندرت می‌توان آثاری دیدکه‌کنار افسانه‌ها واسطوره‌های یونان به‌بخش مهم دیگری ازقبیل اسطوره‌های آفرینش، کیش‌های رازآمیز یونانی (الئوسی، دیونوسوسی واورفه‌ای) وتأثیر آن‌ها بر دنیای بعدی یونانی-رومی ومسیحیت پرداخته باشند. ازنظر این پژوهشگر هر کتابی درباره اساطیر یونان، ناگزیر منتخبی ازآن رادرخود جا می‌دهد، اما این منتخب باید طوری باشد که‌بتواند تصویر به‌نسبت روشنی ازکلیت این اساطیر راپیش روی مخاطب قرار دهد.
متن کتاب «اساطیر یونان» ازدرس‌گفتارها وتدریس‌های عباس مخبر درباره اساطیر ایران وجهان استخراج شده است. اودراین مطالب تلاش کرده است بانگاهی تحلیلی، به‌تبارشناسی خدایان والهه‌ها وبن‌مایه‌های فلسفی، تقدیرگرایانه وروان‌کاوانه درپس وپشت آن‌ها بپردازد. اوهمچنین تلاش کرده است به‌بخش‌های کمتردیده‌شده اساطیر یونان وتأکید بر اهمیت ونقش الهه‌ها درمجادله قدیمی نظام‌های مادرتبار وپدرسالار هم بپردازد.
کتاب پیش‌رو دوازده فصل دارد که به این ترتیب اند: «چشم‌انداز اسطوره‌های یونان»، «اسطوره‌های آفرینش»، «خدایان والهگان المپ»، «دیگر الهگان مهم یونانی»، «تبارشناسی خدایان والهه‌های یونانی»، «عاشقانه‌های یونانی»، «ایلیاد: اسطوره‌های پدرسالار جنگ»، «اودیسه: اثری بادیدگاه مادرتبار»، «قهرمانان اسطوره‌ای یونان»، «کیش‌های رازآمیز یونانی»، «انه‌اید» و«تراژدی».
این کتاب با ۳۶۰صفحه مصور، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۲۹۵هزار تومان منتشر شده است.

«شب بی‌مهتاب» منتشر شد

کتاب «شب بی‌مهتاب»، نوشته غلامرضا رضایی، شامل مروری تحلیلی بر آثار بهرام صادقی، راهی بازار نشر شد.
به‌گزارش ایبنا، این کتاب مروری تحلیلی ونظری بر آثار بهرام صادقی است.
«شب بی‌مهتاب» از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول یامقدمه که‌مروری کلی دارد به‌آثار وشروع کار نویسنده وطرح مباحثی مانند زبان، فرم، طنز ونقش بازی در داستان‌های اوو بخش دوم نقد داستان بلند ملکوت واستفاده‌های بینامتنی نویسنده ازدیگرآثار ودرک ودریافت‌هایی ازمتن است.
بخش سوم نیز شامل درس‌گفتارها ونقدهای کارگاهی است که‌با عنوان «مجموعه‌داستان سنگر وقمقمه‌های خالی» برای استفاده نویسندگان جوان ارائه شده است. این بخش درراستای آشنایی بیشتر وچگونگی کار وشگردهای نویسنده نوشته شده است وبه‌شرح و تبیین تکنیک‌ها وعناصر داستانی به‌کارگرفته‌شده توسط نویسنده می‌پردازد تا از طریق آشنایی باتردستی‌های نویسنده به زیرلایه‌ها و جهان داستانی اش نزدیک شویم.
نشر نیماژ کتاب «شب بی‌مهتاب» رادر۱۱۸صفحه با قیمت ۱۱۰هزار تومان عرضه کرده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

ناویراسته ✗

باتوجه‌به‌حمایت‌های‌به‌عمل‌آمده‌توسط‌این‌گروه، زمینه‌رونق‌این‌تولیدات‌فراهم‌شد.

ویراسته ✓

باتوجه‌به‌حمایت‌های‌این‌گروه، زمینه‌رونق‌این‌تولیدات‌فراهم‌شد.

نکته

باحذف‌چهارکلمه«به، عمل، آمده، توسط»نه‌تنهاخللی درمعناایجادنشد، بلکه‌جمله‌کوتاه‌تروررساترشد.

#زین_قند_پارسی

سمیرا شریفی خراسانی، نویسنده مشهدی مجموعه داستان «آقای پست مدرن»:

سعی کردم نگاهم به دغدغه‌های زنان تازه باشد

گفت‌وگو

وحید حسینی ایرانی| داستان‌نویسی زنان مشهد در دو دهه گذشته پیشرفت‌های شایان‌توجهی داشته است واگر تعداد بانوان نویسنده این خطه ازمردان داستان‌نویس پیشی نگرفته باشد، کمتر هم نیست. ازدیدکیفی نیزگاه در جشنواره‌های ادبی درخشیده ورتبه‌های برتر رابه‌دست آورده‌اند وگاه نظر مساعد ناشران مطرح کشور رابرای چاپ آثارشان جلب کرده‌اند. همچنین گاهی داستان‌هایی به‌قلم برخی از این بانوان درمحافل دیده وشنیده می‌شود که‌اگرچه بازتاب چندانی ندارد، حاکی ازقلم توانای آن‌هاست. سمیرا شریفی‌خراسانی یکی ازاین نویسنده‌های توانمند است که‌سال ۱۴۰۰ نخستین کتابش رامنتشر کرد. اومتولد سال ۱۳۶۴ است ودرمقطع کاردانی رشته تدوین فیلم وکارشناسی زبان وادبیات فارسی تحصیل کرده است. تجربه‌جدی نگارش برای اواز آغاز تحصیلاتش دررشته ادبیات درسال ۱۳۸۴ رقم خورده ودرسال‌های بعد، نوشته‌هایی ازاو درمطبوعات به‌چاپ رسیده است. شریفی تجربه‌نوشتن فیلم‌نامه رانیز دارد. گفت‌وگوی ما بااو درباره کتابش، مجموعه‌داستان «آقای پست‌مدرن»، صورت گرفته است.

شما به عنوان داستان نویسی که در نخستین کتابش علاقه‌ای به واقعیت نشان نمی‌دهد و داستان‌هایش پر ازعناصر فراواقعی وخیالی است، چگونه سوژه‌هایتان راپیدا می‌کنید؟

این طبیعی است که‌هر نویسنده‌ای دنیا رابه‌شکلی ببیند وسعی کند سوژه‌هایش را با تخیل خودش خلق کند؛ تخیلی که‌ازتجربه‌زیسته نویسنده تغذیه می‌کند. هرچه این تجربه‌زیسته غنی‌تر باشد، خلق داستان متفاوت بهتر اتفاق می‌افتد. حالا نویسنده‌ای تجربه‌هایش رادرقالبی به‌اسم واقعیت ویکی مثل من درقالبی به‌اسم فانتزی ارائه می‌دهد. من سعی می‌کنم خمیرمایه داستان‌هایم راباتجربه‌زیسته خودم هماهنگ کنم وبا سبک خودم آن راارائه دهم.

موجودات غیرعادی حضور پررنگی درداستان‌های شما دارند؛ ازخروسی شیطانی تا گیاهی جادویی و ماهی‌ای که ازحنجره‌اش موسیقی غم‌انگیز بیرون می‌آید. آیا منبع شما برای آفرینش این موجودات را باید درمیان افسانه‌ها و اساطیر جست یا خاستگاهی دیگر دارد؟

گاهی درداستان‌هایم، گذشته ازتخیل، شخصیت‌های اسطوره‌ای وافسانه‌ای ونمادها راتاجایی که‌شناخت داشته‌ام، استفاده کرده‌ام، ولی نه‌به‌گونه‌ای که همان شخصیت‌های اسطوره‌ای وافسانه‌ای راازقصه‌ها بیرون بکشم ودرداستان‌هایم بیاورم. بیشتر، ازآن‌ها الهام گرفته‌ام یاسعی کرده‌ام اقتباس وبازتولیدشان کنم وبیش ازآن کوشیده‌ام تاموجودات جدیدتری رادرداستان‌هایم به‌کاربگیرم. فکر می‌کنم استفاده ازاین ظرفیت‌ها می‌تواند باعث بکرترشدن فضای داستان شود.

> گاهی درداستان‌هایم، گذشته ازتخیل، شخصیت‌های اسطوره‌ای وافسانه‌ای ونمادها راتاجایی که‌شناخت داشته‌ام، استفاده کرده‌ام، ولی نه‌به‌گونه‌ای که‌همان شخصیت‌های اسطوره‌ای وافسانه‌ای راازقصه‌ها بیرون بکشم ودرداستان‌هایم بیاورم. بیشتر، ازآن‌ها الهام گرفته‌ام

زمینه دو داستان ابتدایی مجموعه، روستاست واتفاقا یکی ازآن‌ها (داستان «خروس بی‌محل») جزو کارهای برتر شما به شمار می‌رود. بااین حال، به نظر می‌رسد شناخت نویسنده ازروستا به قدر کافی نیست؛ مثلا گویش آدم‌ها ربط چندانی به این محیط پیدا نمی‌کند یا دغدغه کارکردن زن درآرایشگاه، بیشتر محیطی شهری را تداعی می‌کند. دلیل پرداختن شما به زمینه و فضایی که آشنایی کافی با آن ندارید، چیست؟

من بامحیط روستا ناآشنا نیستم واگر آن رانمی‌شناختم، درباره‌اش نمی‌نوشتم. اما درباره اینکه چرا این‌طور به‌چنین محیطی پرداختم، می‌توانم دلایل زیادی رابیان کنم؛ اول اینکه اگر به‌بافت روستاهای امروز توجه کنیم، می‌بینیم هم ازفناوری رایج درشهر استفاده می‌کنند وهم زبان وگویششان خیلی متفاوت ازگذشته شده است. ازطرفی، حتما نباید زبان وگویش خاصی را برای آن به‌کار برد. ما امروز نمی‌توانیم آن‌چنان فرقی بین روستا وشهر قائل شویم وشاید این پیش‌فرضی اشتباه باشد که‌فکر کنیم اگر داستان در روستا می‌گذرد، زبان وگویش یافضای خاصی باید داشته باشد. پس اگر داستان‌های من دردنیای رئال هم رخ می‌داد، چنین فضایی دور ازواقعیت نبود وفکر می‌کنم داستان‌های کتاب توانسته‌اند همسو با واقعیت این روزهای محیط روستا باشند. ازطرف دیگر، باید به‌نیاز داستان وبستری که‌درآن رخ می‌دهد، توجه کنیم. نویسنده به‌خصوص در داستان کوتاه سعی می‌کند تاجایی به فضا و موقعیت بها بدهد که در پیشبرد داستان کمک کند. او گاهی به همان جزئیات کم بسنده می‌کند وبه‌اصل قصه می‌پردازد. درنهایت، همان‌طور که‌اشاره کردم، مکان‌ها وروستاهایی که‌من انتخاب کردم، واقعی نیستند ودراین روستاهای تخیلی من به‌عنوان نویسنده می‌توانم لهجه یافضای خاصی راباتلفیق واقعیت ایجاد کنم. اما اگر ازفلان روستا یا فلان مکان مشخص نام می‌بردم، باید تاجایی که‌می‌توانستم، به‌واقعیت وفادار می‌ماندم.

یکی ازآسیب‌های داستان نویسی زنان در ایران غلبه دغدغه‌های فمینیستی بر جذابیت‌های داستانی و درنتیجه، نبود پرداخت بسزا درخیلی ازآثار است، اما شما به این دام نیفتاده‌اید. آیا این امر آگاهانه بوده است؟

من هم زنم ومثل بقیه زن‌ها خیلی ازدغدغه‌های رایج رادارم. فقط سعی کرده‌ام اززاویه جدیدی به‌این دغدغه‌ها نگاه کنم وازکلیشه‌های مرسوم به‌نوعی فاصله بگیرم. نگاه زن‌محور در اصل بد نیست، اما مثل هر چیز دیگری اگر به‌افراط برسد، ممکن است باآن زاویه پیدا کنم.

هفت مورد از۱۰داستان کتابتان با دیدگاه اول شخصی روایت شده که‌راوی آن برخلاف جنسیت نویسنده، مرد است. دلیل دوری‌تان ازراویان زن چیست، درحالی که‌شناخت یک زن نویسنده ازشخصیت‌های زن می‌تواند بیشتر باشد؟

در انتخاب زاویه دید، بیشتر ازهر چیز به‌این توجه دارم که‌موضوع داستان راباچه زاویه دیدی می‌شود بیان کرد. طبیعتا هرموضوعی زاویه‌دیدی رامی‌طلبد که‌امکانات بهتری برای بیان داستان فراهم کند، اما اینکه چرا شخصیت‌های اصلی داستان‌هایم برخلاف جنسیت خودم هستند، برای من دغدغه وچیز عجیب‌وغریبی نیست. دلیل خاصی هم ندارم که‌چرا به‌استفاده ازراویان مردگرایش بیشتری دارم. شاید در کتاب‌ها و داستان‌های بعدی‌ام بیشتر شخصیت‌ها خانم‌ها باشند. این یک انتخاب است ومن موقع جمع کردن داستان‌های کتابم بیشتر ازاینکه به‌جنسیت توجه کنم، به‌این توجه داشته‌ام که‌داستان‌هایی راانتخاب کنم که‌با نگاهم درکتاب هم‌خوانی داشته باشد.

ازکارهای تازه‌تان بگویید. آیا کتاب جدیدی در دست انتشار دارید؟

بله. در حال نوشتن وآماده‌کردن مجموعه‌داستان بعدی‌ام هستم ودرکنار آن، یک اثر بلند را هم دردست نگارش دارم. من داستان‌های کتاب «آقای پست‌مدرن» راقبل ازسال ۱۴۰۰ نوشتم ودراین چند سال، هم قلم وهم نگرشم به‌خیلی ازمسائل تغییر کرده است. بااین حال، بیشتر کارهای جدیدم نیز درهمین ژانر فانتزی خواهد بود.

موجودات عجیب‌الخلقه‌ای که به‌یاری داستان‌نویس آمدند!

نخستین کتاب سمیرا شریفی خراسانی از لحاظ داستان‌پردازی نمره قبولی می‌گیرد. این نویسنده مشهدی با مجموعه داستان «آقای پست‌مدرن» نشان می‌دهد که‌به‌اهمیت خلاقیت و سرگرم‌کنندگی ادبیات که متأسفانه امروزه بسیاری از نویسندگان داستان‌های جدی فارسی ازآن غافل‌اند، آگاه است واین ویژگی‌ها رادرحدی پذیرفتنی برای نوشته‌هایش رقم می‌زند. درکتاب یادشده خلاقیت وسرگرمی وبخشیدن لذت روبه‌روشدن بامتنی ازجنس هنر، بر بستر داستان‌هایی محقق می‌شود که بیشترشان ازواقعیت روزمره فاصله‌گرفته وبه‌واقعیتی برساخته نویسنده‌رسیده‌اند. یکی ازراهکارهای شریفی برای پردازش داستان‌های غیرواقع‌گرای خود، آفرینش موجودات عجیب‌الخلقه است. او در نخستین داستان این مجموعه، «خروس بی‌محل»، ماجرای پیداشدن خروس جنگی‌ای را روایت می‌کند که‌با قدرت اهریمنی‌اش زندگی صاحب خود رادگرگون می‌سازد. یادرداستان «آقای پست‌مدرن» که‌عنوان کل مجموعه نیز هست، توله‌سگ‌های راه‌راهی را به‌تصویر می‌کشد که‌تنه‌شان به‌اندازه گورخر است. نویسنده همچنین وضعیت‌ها وفضاهایی خیالی راشکل می‌دهد که‌به‌زندگی روزمره خواننده شباهت ندارد. درداستان آخرالزمانی «آخرین قبر خالی»، زمین آن‌قدر کوچک شده که‌دیگر جایی برای دفن مردگان نمانده است واندک ساکنان آن نگران نبودگوری برای کالبدهایشان هستند. درنمونه‌ای دیگر، «مورچه‌های سرسبز آقای لئو»، مردی هنرمند بازنی روبه‌رو می‌شود که‌به‌رغم نبودن، جسمیتی ازاو درجهان مرد حاضر است! حتی هنگامی که ماجرا در فضایی کم وبیش واقع‌گرایانه می‌گذرد، عنصر وهم رویداد رابه‌جایی برمی‌کشد که‌فراتر ازعینیات جهان بیرونی است؛ مانند داستان «رسالتی برای نجات زمین» که‌راوی روان گسیخته‌اش دربخش عمده روایت، ازچشم برادری به‌خودش می‌نگرد که‌وقتی جنین بوده، سقط شده‌است! مخاطب کتاب «آقای پست‌مدرن» بامجموعه رنگارنگی ازسوژه‌های شگفت وخیالی ووهم‌انگیز روبه‌روست که‌غریب بودنشان آن‌ها راجذاب کرده است. به‌عبارتی، نویسنده اولین گامش برای ورودرسمی به‌جرگه نویسندگان صاحب کتاب تألیفی را محکم برداشته است، هرچند نوشته‌هایش گاه چندان ازخام‌دستی دور نیست! نمونه‌خوانی سرسری وویراستاری ضعیف کتاب، اگرچه نام دو ویراستار هم درشناسنامه آن آورده شده، درمواردی به‌بروز غلط‌های فاحش دستوری وحتی املایی انجامیده است؛ مثلا می‌توان ازگزاره «برای اینکه‌دراودچار سوءظن نشوم[...]» (صفحه ۵۴) یادکرد که‌منظور نویسنده چنین چیزی بوده است: «برای اینکه‌به‌شک نیندازمش» یا «برای اینکه اورا دچار سوءظن نکنم»؛ یاایراد هِکَسره دراملای ترکیب‌های «ماهیه‌معمولی» (صفحه ۶۱) و«شبیهه وزغ» (صفحه ۶۲) که درستش «ماهی معمولی» و «شبیه وزغ» است. همچنین می‌توان به‌ترسیم نابسنده یانادرست محیط روستا درداستان‌های «خروس بی‌محل» و «مترسک‌های بی‌قلب» اشاره کرد وازابهام غیرضروری‌ای گفت که‌به‌داستان «کیسه آب» آسیب رسانده است. بااین‌همه، چنان‌که گفتیم، می‌توان به‌مجموعه‌داستان «آقای پست‌مدرن» نمره قبولی داد. زیرا ویژگی‌های مثبت آن به‌کاستی‌هایش می‌چربد. ایده‌های جالبی درداستان‌های کتاب آمده که‌نویددهنده ظهور نویسنده‌ای باهوش وخلاق است؛ مانندشغل‌راوی درداستان «خروس بی‌محل» که‌جمع‌آوری لاشه موش‌های دِه‌وتحویل آن به‌دهداری است یامورچه‌هایی باسر سبزرنگ درداستان «مورچه‌های سرسبز آقای لئو» که‌عامل خلق شاهکارهای هنری ازقبیل تابلوی «مونا لیزا»ی لئوناردو داوینچی می‌شوند. این کتاب رانشر خیابان درنود صفحه چاپ کرده است.

یک پیشنهاد اخلاقی، ادبی، علمی و متصف به دیگر صفات نیک!

نیش‌قلم

کاوه سنابادی

«یادم نمی‌کنی و ز یادم نمی‌روی/ یادت به‌خیر یار فراموش‌کار من»؛ کانال تلگرامی «انجمن مبارزه با نشر جعلیات» ویدئویی از صحبت‌های رشید کاکاوند منتشر کرده است که در آن مجری صداوسیما این بیت را متعلق به شهریار می‌خواند. اما این بیت از شهریار نیست و مانند خیلی از شعرهای جعلی دیگر که این کانال درباره‌شان آگاهی بخشی کرده، سروده شخصی به‌جز آن کسی است که به او نسبت داده شده است! قضیه احتمالا این است که هرچه زندگی ما بیشتر با فضای مجازی سرشته می‌شود، آسیب‌های این فضا شئون زندگی ما را بیشتر تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این آسیب‌های مخرب، انتشار مطالب ساختگی به نام مشاهیر است. هم‌رسانی گفته‌های ژرف یا جالب، کاری منفی نیست، اما وقتی در جهان واقع، از مشاهیر یادشده چنین گفته‌هایی سر نزده باشد، انتساب این سخنان و دروغ‌بستن به افراد و پدیده‌ای غیراخلاقی و نکوهیده است. با فراگیرشدن دروغ، جامعه از بُعد منش ورفتار افول خواهد کرد و به سمت انحطاط رانده خواهد شد. همچنین بی‌سوادی مانند ویروس تکثیر می‌شود و درنهایت با جامعه‌ای کم‌سواد و سطحی‌نگر و آلوده به رذایل اخلاقی روبه‌رو خواهیم بود. متأسفانه تمایل بسیاری از افراد به دیده‌شدن و فرهیخته‌وژرف‌نگر جلوه‌کردن از طریق شیوه‌های راحت باعث شده است گفته‌ها و سروده‌ها و هر نکته جالب، آن هم در هر سطحی، را به‌جای سرچشمه‌های اصلی آن یعنی کتاب‌ها یا منابع دیداری و شنیداری معتبر، از منابع دم‌دستی، به دست بیاورند و بازنشر کنند و چه منبعی آسان‌یاب‌تر از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی؟! وخامت اوضاع چنان است که‌یک شاعر و نویسنده و مدرس دانشگاهِ بامطالعه مانند دکتر کاکاوند هم از آسیب شیوع جعلیات در امان نمی‌ماند و بیتی را که به دروغ به محمدحسین شهریار منتسب شده است، واقعا از او تلقی می‌کند! هیچ بعید نیست که دکتر کاکاوند هم آن بیت را در یک صفحه اینستاگرامی دیده و از فرط حضور در رسانه، وقت کم آورده است و فرصت نکرده باشد درستی سنجی کند! اگر هم این اتفاق درباره او استثنا باشد و پای توجیه و دلیلی چون خطای حافظه در میان باشد، درباره بیشتر کاربران مجازی چنین موضوعی به قاعده بدل شده است! اما چاره چیست؟ به احتمال قریب به یقین، چاره کار جایگزین کردن هرچه بیشتر مطالعه کتاب‌های معتبر یا دست‌کم بهره‌بردن از فیلم‌ها و صوت‌های راست و درست به‌جای پرسه‌های مدام در فضای مجازی است. چه خوب است از همین لحظه که داریم از طریق نوشته پیش‌رو در این‌باره با هم تأمل و تعامل می‌کنیم، تصمیم جدی بگیریم و هر روز و هر شب قدری از زمان حضورمان در فضای مجازی بکاهیم و همین زمان را به مطالعه جدی اختصاص دهیم.